

# دانشگاههای کشور در آینه آزمونهای کارشناسی ارشد

دکتر سید محمد اعتمادی

- انتظار آنست که در جامعه علمی کشور، مقوله ارزیابی جایگاه والایی داشته، مبنای بسیاری از امور باشد و بر انجام آن اصرار و از نتایج آن استقبال شود.
- با دولتی شدن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور، به تدریج همگی آنها تحت یک برنامه‌ریزی آموزشی مشابه و متمرکز قرار گرفتند.
- مقوله ارزشیابی و بازنگری، سالهاست که به فراموشی سپرده شده است.

## مقدمه

۱- هر مجموعه و سیستم تحول‌پذیر که برای هدف خاصی بوجود آمده و از عناصر خارجی و داخلی تأثیرپذیر است، در راه رسیدن به آن هدف، به ارزیابی دقیق وضعیت خود نیاز دارد. بر اساس این ارزیابی، لازم می‌آید که در جهت‌گیری فعالیت‌ها و میزان سرمایه‌گذاری و مقدار تلاش در هر بخش از این مجموعه، تغییراتی داده شود تا مجموعه با جهت و شتاب مناسب به سمت هدف یا اهداف پیش‌بینی شده حرکت نماید.

مجموعه آموزشی هر کشور به‌طور کلی، و سیستم آموزش عالی

در این مقاله، مقایسه سطح علمی

فارغ‌التحصیلان کارشناسی دانشگاههای کشور در رشته‌های فنی مهندسی و علوم پایه شامل: ریاضی، فیزیک و شیمی، به کمک نتایج آزمون‌های سراسری کارشناسی ارشد سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ ارائه گردیده است. این مقایسه هم به صورت کلی و مستقل از رشته و هم به تفکیک رشته انجام گرفته و دانشگاهها می‌توانند با تجزیه و تحلیل بیشتر این نتایج، به ارزیابی نسبی وضعیت آموزشی خود و برنامه‌ریزی‌های لازم جهت ارتقای آن بپردازند.

اینکه کلیه دانشگاهها، مؤسسات آموزشی، مجتمع‌های آموزشی، هنرسرای عالی و تکنیکوم‌ها دولتی شدند، به تدریج همگی عنوان «دانشگاه» یافته و تحت یک برنامه‌ریزی آموزشی مشابه و متمرکز قرار گرفتند و تقریباً همه آنها دارای یک برنامه درسی، یک سرفصل دروس، یک نوع کتاب درسی و یک سلسله مقررات آموزشی و استخدامی شده‌اند و از اینجهت می‌توان گفت که هدفها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی اکثر دانشگاهها یکسان شد. لذا از دانشکده فنی دانشگاه تهران، که قدیمی‌ترین و قویترین مجموعه آموزش فنی کشور است، تا جدیدترین و ضعیف‌ترین و دور افتاده‌ترین واحد دانشگاهی آموزش عالی کشور، اجرای یک برنامه آموزشی واحد، یک سرفصل دروس و یک نوع مقررات آموزشی خواسته شد. البته بررسی مطلوب یا نامطلوب بودن این وضع بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که در حوصله این مقاله نیست؛ ولی جای خوشحالی است که این مسیر در حال دگرگونی است، گرچه این دگرگونی بسیار کند انجام می‌پذیرد. نکته مورد تاکید آنست که در حال حاضر اکثر دانشگاهها دارای هدف و برنامه مشابهی شده‌اند و این ارزشیابی در بستر وضعی دانشگاهها در سالهای ۶۲ تاکنون انجام شده و لذا با توجه به اهداف و برنامه‌های مشابه، معنادار می‌باشد.

۵- ارزیابی ذیل درصدد است که متوسط سطح علمی فارغ‌التحصیلان لیسانس دانشگاههای مختلف کشور را در مجموعه رشته‌های فنی مهندسی و علوم پایه (شامل ریاضی، فیزیک و شیمی) مقایسه نماید. این مقایسه هم به صورت کلی بین دانشگاهها انجام گرفته و هم به تفکیک رشته تحصیلی. در تاریخ دانشگاهها هیچگاه چنین مقایسه‌ای به صورت کمی انجام نگرفته است، گرچه دانشجویان قضاوت‌های عمومی کیفی نسبت به یکدیگر داشته‌اند.

مبنای مقایسه‌ای که ذیلاً ارائه می‌گردد، نتایج آزمون‌های ورودی کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) از سال ۱۳۶۸ تاکنون می‌باشد. در این آزمون‌ها اکثر فارغ‌التحصیلان لیسانس دانشگاههای مختلف کشور در یک امتحان مشترک و متمرکز در رشته موردنظر خود به رقابت می‌پردازند. وجود این آزمون‌های متمرکز و مشترک این فرصت را بوجود آورده است که برای اولین بار امکان این مقایسه فراهم آید. آمار خام این نتایج از طرف سازمان سنجش آموزش کشور استخراج شده و از مسؤولان محترم سازمان که این آمار را در اختیار نویسنده قرار دادند، کمال سپاسگزاری را دارد.

۶- همانطوریکه اشاره شد، در این مقاله فقط متوسط سطح علمی

به‌طور خاص، و هم‌چنین هر یک از دانشگاههای کشور به عنوان بخشی از این مجموعه، از قاعده فوق‌الذکر مستثنی نیستند و لازم است که روش‌ها، معیارها و شاخص‌های ارزشیابی خود را تعیین نموده و مستمراً وضعیت خود را مورد سنجش قرار دهند. هرگونه برنامه‌ریزی برای حرکت به سوی هدف، بدون شناخت جامع و دقیق از وضع موجود و جهت حرکت فعلی، در خوش‌بینانه‌ترین قضاوت هم، ناقص خواهد بود و نتیجه مطلوبی بیار نخواهد آورد.

۲- نتیجه ارزیابی، تعیین موارد قوت و ضعف در سیاست‌گذاری و جهت‌گیری، مدیریت امور، میزان سرمایه‌گذاری، حجم تلاش و کیفیت عملکرد در کل مجموعه و یا در زیر بخش‌های آنها است. معمولاً خصلت‌های انسانی ایجاب می‌کند که وضعیت ضعیف در ارزیابی، مطلوب هیچیک از بخش‌ها و مسؤولان آنها نباشد، به ویژه اگر نتیجه این ارزیابی در ارتقا یا تنزل موقعیت اجتماعی افراد نیز تأثیر داشته باشد. در نتیجه، بعید نیست که مقوله ارزشیابی و بازنگری در داخل هر مجموعه و از طرف عناصر داخلی آن مورد استقبال واقع نشود. همین امر باعث شده است که این مقوله سالها به فراموشی سپرده شود، یا مقاومت‌های درونی در مقابل آن وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، ارزیابی از دید انسانی نتایج تلخ و شیرینی دارد و مذاق‌ها با تلخی‌ها سازگاری ندارند، هرچند این تلخی، درمان دردها باشد.

۳- انتظار آنست که در جامعه علمی کشور که عمدتاً دارای تفکر تحلیلی و سیستمی هستند، مقوله ارزشیابی جایگاه والایی داشته، مبنای بسیاری از امور باشد و بر انجام آن اصرار و از نتایج آن استقبال شود. با جرأت می‌توان گفت که در سالهای گذشته حجم و کیفیت کار ارزشیابی، برنامه‌ریزی و نظارت در آموزش عالی به‌طور کلی و در دانشگاهها به‌طور خاص، در سطح مورد انتظار نبوده است. ریشه‌های دلایل این امر خود بحث ارزشمندی است که در قلمرو این مقاله نمی‌باشد.

۴- هر یک از دانشگاههای کشور با توجه به سابقه تاریخی و شرایط اقلیمی، به دلایل خاص و با اهداف معینی تأسیس شده، یا با تغییراتی به حیات علمی خود ادامه داده‌اند. تربیت معلم، تربیت دبیر، تربیت کارشناس برای بخش خدمات دولتی، تربیت مهندسان کاربردی و صنعتی، تربیت مهندسان طراح و تحلیل‌گر، تربیت کاردان و تکنسین و هم‌چنین فراهم آوردن زمینه رشد برای کسانی که بتوانند از نظر علمی در سطح بالایی قرار گرفته و قادر به حل معضلات علمی، تحقیقاتی و تکنولوژیک کشور باشند، مجموعه اهداف مختلفی بوده‌اند که هر دانشگاه برای تحقق یک یا چند مورد آنها بوجود آمده است. پس از

● در حال حاضر، اکثر دانشگاهها دارای هدف و برنامه مشابهی شده‌اند و این ارزشیابی در بستر وضعیت دانشگاهها در سالهای ۶۲ تاکنون انجام شده و لذا با توجه به اهداف و برنامه‌های مشابه، معنادار می‌باشد.

فارغ‌التحصیلان لیسانس دانشگاهها با یکدیگر مقایسه شده است و از آنجا که عوامل مختلفی در این نتایج تأثیر می‌گذارد، لذا نمی‌تواند به تنهایی مبنای یک قضاوت جامع و کلی راجع به هر دانشگاه قرار گیرد. در ادامه این مقاله، به مسایل دیگری که بایست در نظر گرفته شود، اشاره خواهد شد.

#### معیارهای مقایسه

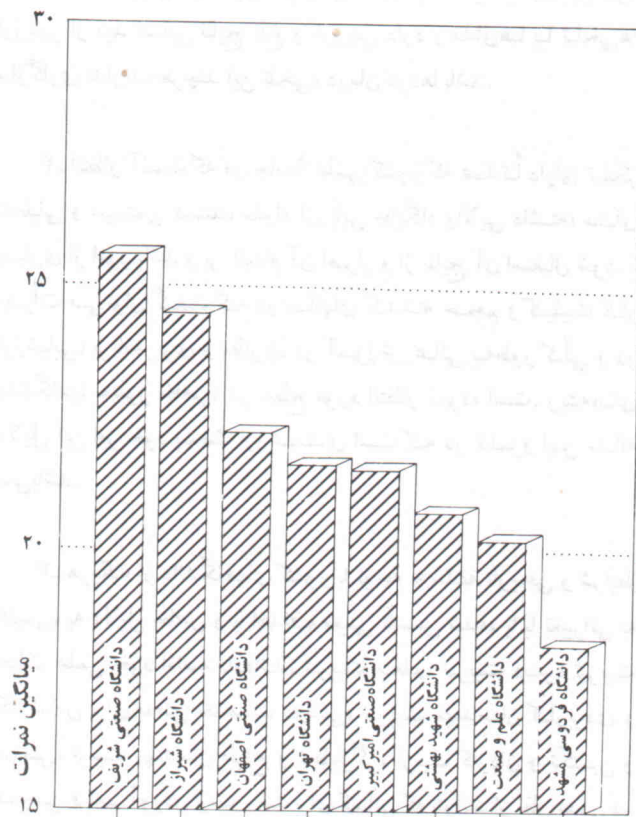
##### الف - مقایسه کلی دانشگاهها:

در این بخش دو نوع مقایسه انجام شده است: نوع اول مربوط به مقایسه فارغ‌التحصیلان دانشگاهها با یکدیگر به وسیله میانگین نمرات

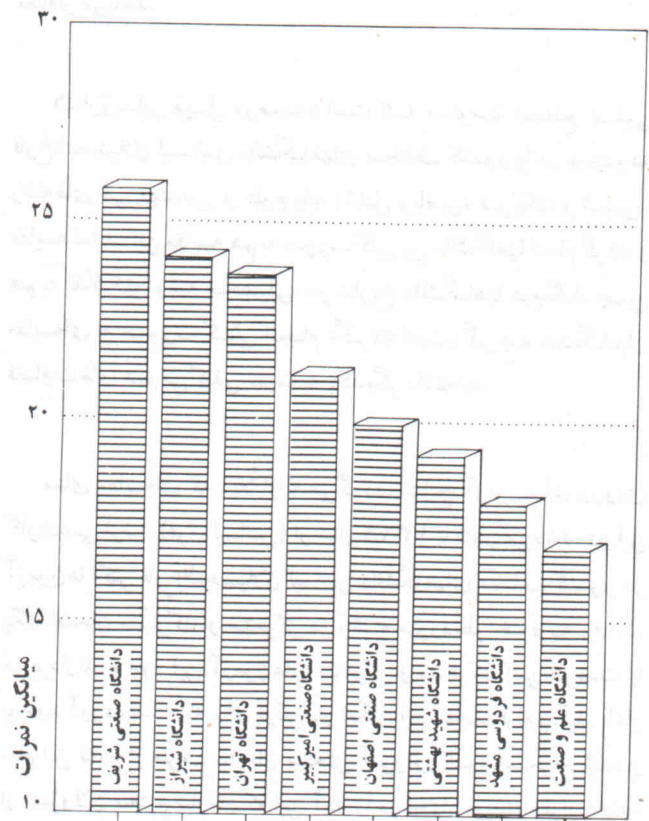
فارغ‌التحصیلان هر دانشگاه است و نوع دوم مربوط به مقایسه درصد قبولی فارغ‌التحصیلان در آزمون ورودی.

نوع اول: نمرات داوطلبان هر آزمون، بر مبنای ۱۰۰/ بدست آمده است. در این مقایسه فارغ‌التحصیلان هر دانشگاه، مستقل از رشته‌ای که در آن امتحان داده‌اند و اعم از اینکه در آزمون قبول یا مردود شده باشند، مشخص گردیده و میانگین نمرات این دانشجویان بدست آمده است. این میانگین، شاخص سطح علمی فارغ‌التحصیلان دانشگاه مذکور تعیین شده است. در نمودار شماره یک دانشگاهها براساس آزمون ورودی سال ۱۳۶۸ و در نمودار شماره دو براساس آزمون سال ۱۳۶۹ با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

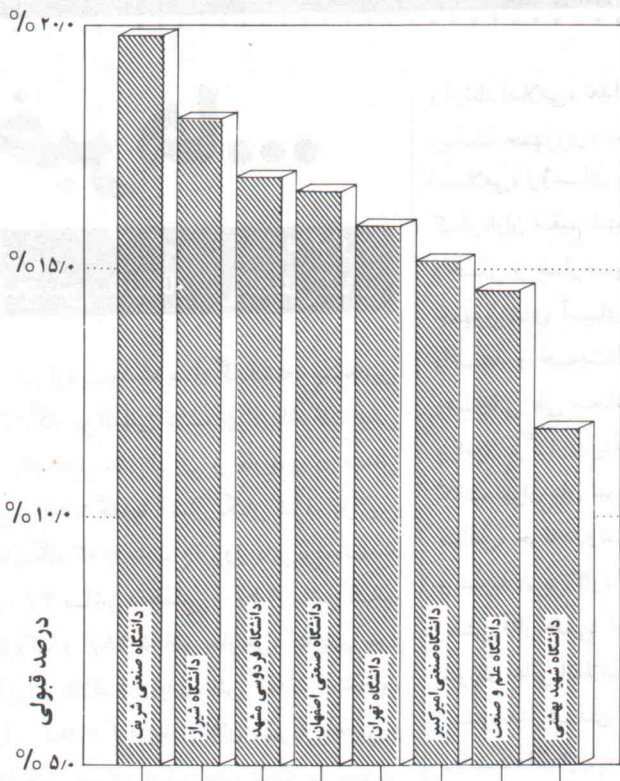
نوع دوم: در مقایسه نوع دوم درصد قبولی فارغ‌التحصیلان، یعنی نسبت دانشجویان قبول شده در آزمون به کل دانشجویان شرکت‌کننده در هر دانشگاه، معیار مقایسه قرار گرفته است و در نمودارهای شماره سه و



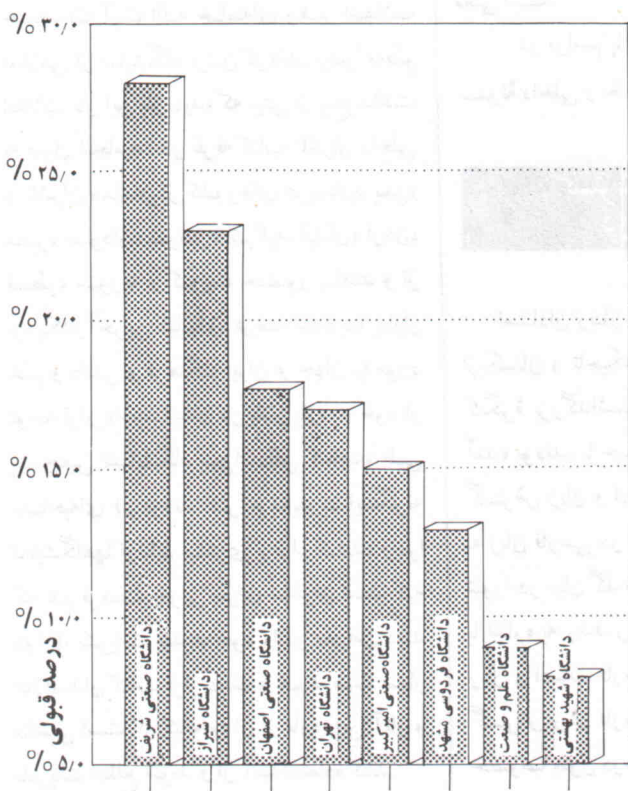
(نمودار شماره دو) مقایسه دانشگاهها از لحاظ میانگین نمرات فارغ‌التحصیلان در آزمون سال ۱۳۶۹



(نمودار شماره یک) مقایسه دانشگاهها از لحاظ میانگین نمرات فارغ‌التحصیلان در آزمون سال ۱۳۶۸



(نمودار شماره سه) مقایسه دانشگاهها از لحاظ درصد قبولی فارغ التحصیلان در آزمون سال ۱۳۶۸



(نمودار شماره چهار) مقایسه دانشگاهها از لحاظ درصد قبولی فارغ التحصیلان در آزمون سال ۱۳۶۹

چهار که به ترتیب مربوط به سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ می باشند، نمایش داده شده است. در مورد درصد قبولی ها ذکر چند نکته ضروری است:

۱- قبولی علمی در کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۸ براساس نمره ای بود که ۷۰٪ درصد آن را نتیجه آزمون، ۲۰٪ درصد را معدل دوره لیسانس و ۱۰٪ درصد را مصاحبه تشکیل میداد؛ اما در سال ۱۳۶۹ براساس نمره ای بود که ۸۰٪ درصد آن را نتیجه آزمون و ۲۰٪ درصد آن را معدل تشکیل می داد.

۲- قبولی نهایی پس از تأیید صلاحیت عمومی شرکت کننده قطعی می شود و لذا تعدادی از شرکت کنندگان گرچه از نظر علمی شایستگی قبولی را داشته اند؛ ولی به خاطر نداشتن صلاحیت عمومی مردود شده اند. درصد مردودین صلاحیت های عمومی هم در دانشگاههای مختلف یکسان نیست.

۳- تعدادی از شرکت کنندگان به دلیل چگونگی انتخاب رشته پذیرفته نشده اند، در حالیکه چنانچه به نحو دیگری انتخاب رشته می کردند، قبول می شدند.

۴- چهل درصد از ظرفیت دانشگاهها برای دانشجویان ایشارگر (رزمنده، جانباز و شاهد) در نظر گرفته شده است. این افراد در مقایسه با یکدیگر، گزینش علمی می شوند. تعداد دانشجویان رزمنده شرکت کننده از دانشگاههای مختلف، متفاوت است و درصد آنها نیز لزوماً یکسان نیست.

به هر حال، نتایج نشان می دهند که درصد قبولی از هر دانشگاه دقیقاً بازتاب سطح علمی فارغ التحصیلان آن دانشگاه نیست و بایستی موارد چهارگانه فوق الذکر نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، مقایسه نوع اول (نمودارهای شماره یک و دو) می تواند مبنای بهتری برای قضاوت باشد.

ب - مقایسه دانشگاهها به تفکیک رشته های امتحانی:

در هر رشته امتحانی، میانگین نمرات فارغ التحصیلان از هر دانشگاه - اعم از قبول یا مردود - بدست آمده و این میانگین، شاخص سطح علمی فارغ التحصیلان آن رشته در آن دانشگاه قرار گرفته است و سپس دانشگاههای مختلف با یکدیگر مقایسه شده اند. این مقایسه برای اکثر رشته های عمده فنی مهندسی و همچنین رشته های ریاضی، فیزیک و شیمی که آمار آن در سه آزمون سالهای ۶۸، ۶۹ و ۷۰ آماده بود، ارائه شده و مشروح آن در شماره بعد تقدیم خواهد شد.